

مبانی تربیت شهادت در قرآن بانگاہے بہ تفاسیر فریقین

■ محمد نخعی

دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلامی دانشگاه تمدن اسلامی بیروت و مدرس دانشگاه علوم اقتصادی

m_nakhi@yahoo.com

■ محمدرضا پیرچراغ

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

m_pircheragh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۹

چکیده

قرآن به عنوان کتاب دینی و کلام خداوندی و منبعی فکری و رفتاری، همواره برای عموم مسلمانان حجت و ملاک اندیشه و عمل بوده و معیار و مبنای تعلیم و تربیت است. از سوی دیگر ایثار، جهاد در راه آرمانها و اصول دینی و شهادت و بذل جان در این مسیر، از افتخارات پیروان اسلام به شمار می‌رود. در زمان صدر اسلام که مصادف بود با وقوع جنگهای مسلمانان با کفار، تعداد زیادی از مسلمانان به شهادت رسیدند و کلمات شهید و شهادت در معنای جدید و اصطلاحی (یعنی: قتل فی سبیل الله) در میان مردم شایع شد و پیامبر اکرم (ص) نیز این واژه‌ها را برای کشته‌شدگان در راه خدا به کار برد، تا جایی که امروزه از شنیدن این کلمات ذهن انسان به همین معنای جدید متبادر می‌شود. مقوله شهادت، تنها کشته شدن و از بین رفتن جسم یک انسان دین‌دار نیست، بلکه یک روند هدف‌دار و عقلانی است که در ورای آن مبانی تربیتی عمیقی نهفته است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده، جستاری در مبانی تربیتی شهادت از خلال بررسی آیات قرآن است، به گونه‌ای که از دو منظر می‌توان به مبانی تربیتی شهادت در قرآن نگریست: منظر اول؛ بیان خصوصیتی که در قرآن برای شهیدان ذکر گردیده است و می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد فرهنگ شهادت در جامعه داشته باشد. منظر دوم؛ بیان مصادیق شهیدان در قرآن و نقش تربیتی آنها. در این نوشتار این دو مقوله مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شهید، قتل، تربیت.



۳۶

مطالعات قرآنی و اسلامی | سال هشتم
شماره ۳۲ - تابستان ۱۳۹۲

مقدمه

دین اسلام، آیینی همه جانبه نگر و دقیق است که برای وجوه مختلف زندگانی انسان، برنامه و روش ارائه نموده است. از بدو تولد تا دوران رویش و بالندگی و زمانه بلوغ و میان‌سالگی آدمی را زیر پوشش قرار می‌دهد و گویی که پیرو مکتبی خود را رها نمی‌کند. اسلام نه تنها برای زندگی که برای مردن و انتقال به سرای جاودان هم برنامه دارد. برنامه دینی در قالب آموزش و تربیت است؛ یعنی هم آموزش می‌دهد و هم پیگیر آماده شدن انسان و تربیت شدن او است. آموزشهای دینی در اسلام در دو قالب گفتاری و رفتاری است: گفتار پروردگار در قرآن و کلام معصومان(ع) و رفتار بزرگان دینی و مذهبی که سیره عملی آنها است. جمله اینها برای انسان مسلمان یک روش زندگی و الگوی او به شمار می‌رود.

تلاش برای تحقق دین آسمانی و دفاع از اصول ناب آن، بخشی از روند زندگانی یک مسلمان مقید است که در این راه کوشش جسمی، هجرت، جهاد و در نهایت بذل جان می‌کند. بذل جان در راه آرمانهای دینی در فرهنگ اسلامی، شهادت نام گرفته است. اما باید توجه داشت که شهادت، تنها کشته شدن و از بین رفتن جسم یک انسان دین‌دار نیست، بلکه یک روند است که در ورای آن مبانی تربیتی عمیقی نهفته است.

شهادت از جمله مفاهیم والایی است که ویژه قیامها و انقلابهای الهی است. انقلاب اسلامی ما نیز از این قاعده مستثنا نبود، بلکه با بهره‌گیری از فرهنگ غنی و متعالی اسلام، شهادت را که می‌رفت به دست فراموشی سپرده شود، روح و حیاتی تازه بخشید.

شهادت، والاترین مقام را نزد خدا دارد، از روزی او بهره‌مند، به فضل خدا راضی و از آن خشنود و مسرور است. شهادت پیمان با خدا است، معامله‌ای پرسود و بی‌نظیر برای شهید است و او نه تنها مورد مغفرت الهی قرار می‌گیرد که دیگران را نیز شفاعت می‌کند. شهادت آن‌گونه که در ادامه بیان می‌شود، یک فرهنگ با چهارچوب دقیق عقلانی و منطقی است.

با بررسی آثار و نگاشته‌های موجود در زمینه شهید و شهادت مشخص می‌گردد که این موضوع به صورت کلی و مختصر از منظر قرآن و روایات مورد تحقیق و بررسی قرار

گرفته است. اگر بر این مطلب رویکرد تربیتی را بیافزاییم که امکان تبیین دقیق و علمی را به نگارنده می‌دهد، با کمبود آثار نگاشته شده به زبان فارسی در این زمینه مواجه خواهیم شد. از جمله کارهایی که در این باره انجام گرفته است، از این قرارند: پایان‌نامه «شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث»، نوشته طیبه علی‌نژاد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ش؛ پایان‌نامه «مفهوم‌شناسی شهید و قتییل فی سبیل الله در قرآن و روایات»، نوشته محمدرضا پیرچراغ، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۰ش؛ کتاب «الشهادة تأسیل لا إستیصال»، اثر محمدقاسم مکی بغدادی، لبنان، دارالاسلامیه، ۱۴۱۳ق؛ کتاب «بررسی شهید و شهادت از دیدگاه قرآن و حدیث»، تألیف مرضیه قاسمی، نشر شاهد، ۱۳۸۶ش؛ کتاب «نگاهی نو به فرهنگ شهادت»، تألیف محمود دیانی، نشر شاهد، ۱۳۸۸ش. منابعی که ذکر شد، به صورت کلی بحث شهید و قتییل فی سبیل الله را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در هیچ‌کدام به مبانی تربیتی شهادت پرداخته نشده است، بنابراین بحث در این خصوص ضرورت دارد.

تعریف شهادت و شهید

کلمات شهادت و شهید از مشتقات ماده «ش.ه.د» هستند. «شَهْد» در بابهای مختلف معانی متعددی دارد. علمای لغت در تعریف این واژه، چنین می‌گویند: «ش.ه.د» ریشه‌ای است که بر حضور^۱، علم^۲ و خبر دادن، دلالت دارد و تمام مشتقات این ماده دارای ارتباط خاصی با سه اصل معنایی یا یکی از معانی یاد شده می‌باشند.^۳ «شهد بالله» به معنای سوگند خوردن است.^۴ این فعل معانی «خَبَرَ»، «عَايَنَ»، «ادْرَكَ»، «حَلَفَ»، «إِطْلَعَ عَلَيْهِ» و «ادای شهادت» را نیز دارد.^۵ از این رو دو فعل «اشهد» و «استشهد» به صیغه مجهول به معنای کشته شدن در راه خدا هستند.^۶ «شهادة»

۱. فرهنگ جدید عربی-فارسی، ص ۲۹۲.

۲. المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۹۷؛ قاموس قرآن، ج ۵، ص ۷۵.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۱؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۲۸.

۴. المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۹۷.

۵. المنجد فی اللغة، ص ۴۰۶.

۶. دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۵، ص ۴۱۴.





یکی از مصادر ماده «ش.ه.د» است که هر سه معنای مذکور؛ یعنی حضور، علم و خبر دادن^۶ در آن وجود دارد و همچون شهید دارای معانی متعددی اعم از حاضر بودن و گواه بودن است که یا با چشم و یا با اندیشه و بصیرت^۸ (حضور همراه مشاهده با بصر یا بصیرت) صورت می‌گیرد و نیز به معنای سخن گفتن از روی علم و آگاهی که از مشاهده و بصیرت یا دیدن با حواس و چشم حاصل می‌شود، به کار رفته است.^۹ «شهادة» همچنین به معنی اقرار، حکم و علم هم می‌آید که همه از شعبه‌های حضور و دیدن هستند.^{۱۰} واژه شهید از واژه‌های پراستعمال در فرهنگ اسلامی است که عالمان مسلمان از لغویان، مفسران و ... در آثار خود به آن پرداخته‌اند. این واژه همچون ریشه «شهد» و مصدر «شهادت» دارای معانی متعددی است؛ از جمله: ۱. عالم به امور ظاهری.^{۱۱} ۲. محتضر؛ زیرا ملائکه موقع جان دادن فرد، بر او حاضر می‌شوند.^{۱۲} این معنا از کلام الهی برگرفته شده است، آنجا که می‌فرماید: «تُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا...»^{۱۳} «ملائکه بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان! بیم مدارید و اندوهگین نباشید». ۳. گواه، حاضر و عالم؛ همچنین به کسی که در شهادت خود امین است و به کسی که علم هیچ چیز از او فوت نمی‌شود و به هر چیزی علم دارد، نیز اطلاق می‌شود که در این معنای اخیر، مراد خداوند متعال است؛ زیرا فقط او است که عالم به هر چیزی است.^{۱۴} ۴. از اسمای خداوند متعال؛ او کسی است که هیچ چیز از علمش غایب و مخفی نیست، با این وجود گاهی شهید در روز قیامت برای مردم شهادت می‌دهد.^{۱۵} ۵. ناظر، آگاه، نمونه و الگو.^{۱۶}

شهید به معنی کسی است که هیچ چیز از علم او پوشیده نیست که البته ظاهر عموم، از خود کلمه مستفاد نیست و

مفید عموم کلمه دیگر است و به معنی حاضر هم به کار رفته است.^{۱۷} معنای اصطلاحی شهادت عبارت است از: «شهادت به عملی اطلاق می‌شود که فرد (شهید) به خاطر اعتقادات مذهبی و یا به خاطر دلایل و اصول مهمی می‌میرد و یا خود را به رنج دچار می‌کند».^{۱۸} برای شهید معنای اصطلاحی متعددی بیان گردیده است که از این قرارند: ۱. شهید کسی است که در جنگ به دست کفار کشته شود.^{۱۹} ۲. شهید از اسمای حسنی الهی است.^{۲۰} و در اصطلاح رایج به کسی گفته می‌شود که در راه خدا کشته شود.^{۲۱} و شهادت به مرگ سرخی تشبیه شده است، انسان آزاده با شناخت آن را انتخاب می‌کند و در راه عقاید و ایده‌ها و مرامش فدایی می‌شود.^{۲۲} ۳. شهید به مسلمان طاهر و بالغی گفته می‌شود که در جنگ به ظلم به قتل رسیده است.^{۲۳} ۴. شهید در اصطلاح کسی است که در رکاب پیامبر (ص) یا امام معصوم (ع) یا در جهاد جایی کشته شود.^{۲۴} ۵. علامه طباطبایی ذیل آیات ۱۴۰ آل عمران، ۲۵، ۶۹ نساء^{۲۵} و ۶۹ زمر^{۲۶} می‌نویسد که منظور از شهید و شهدا در قرآن، شاهدان اعمال است، نه کشتگان در راه خدا و شهید به معنای کشته در راه خدا، اصطلاحی است که در بین مسلمانان رایج شده است. همچنین شهادت یک گواهی بر مبنای پیروی حق و به خاطر اظهار حق و زنده کردن حق است.^{۲۸} ۶. شهید و شهدا کسانی هستند که در راه خدا و برای رضای او و به منظور برقراری حق کشته شوند.^{۲۹}

۱۷. اقرب الموارد، ج ۱، ص ۶۱۷.
18. "Martyrs", V.3 (j-o).

۱۹. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۳۲۴.
۲۰. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۸؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۳۹۱؛ فرهنگ لاروس، ص ۷۲۶.

۲۱. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۸.
۲۲. فلسفه شهادت، ص ۱۱۶.
۲۳. لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۶۲۹.
۲۴. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۵۳.
۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۹.
۲۶. همان، ج ۴، ص ۴۰۷.
۲۷. همان، ج ۱۷، ص ۲۹۶.
۲۸. همان، ج ۵، ص ۱۰۸.
۲۹. التبیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۶۹ نساء.

۷. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۴۰.

۸. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۶۵.

۹. همان، ص ۴۶۵.

۱۰. قاموس قرآن، ج ۴، ص ۷۵.

۱۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۶۶.

۱۲. همان، ص ۴۸۶.

۱۳. فصلت، ۳۰.

۱۴. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۹.

۱۵. مجمع البحرین، ج ۳، صص ۸۰ و ۸۱.

۱۶. حسین وارث آدم، ص ۱۵۶.

تعریف قتیل فی سبیل الله

تربیتی که اسلام بیان کرده است، صورت می‌پذیرد.^{۳۶}

تعریف مبانی تربیت

مبانی تعلیم و تربیت، از موقعیت آدمی و امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی بحث می‌کند که حیاتش همواره تحت تأثیر آنها است.^{۳۷} مجموعه قانون‌مندیهای مربوط به ویژگیهای انسان است که دو خصوصیت دارند: اول اینکه در عموم انسانها صادق هستند. دوم اینکه به شکل قضایای دربر دارنده هستند.^{۳۸}

شهادت و شهید در قرآن

در قرآن کریم علاوه بر واژه «شهید» از کلمات «قتیل فی سبیل الله» و «قضی نحب»^{۳۹} نیز برای مفهوم کشته شده در راه خدا استفاده شده است. واژه «قتیل فی سبیل الله» از همان صدر اسلام همان مفهوم دینی را داشت که امروزه از آن فهمیده می‌شود و در اصطلاح رایج به کسی گفته می‌شود که در راه خدا کشته شود.^{۴۰} به نظر می‌رسد شهید به طور کلی اعم از قتیل فی سبیل الله است؛ یعنی شهید مصادیق متعددی دارد و یکی از آن مصادیق، می‌تواند قتیل فی سبیل الله باشد.

موضوع شهادت آن قدر در قرآن، اهمیت دارد که جدای از مبحث جهاد، آیات مستقلی به آن اختصاص یافته است و موضوعاتی همچون جایگاه شهید، فلسفه شهادت، شهادت‌طلبی، زمینه استقبال از شهادت، زمینه‌های شهادت، پاداش شهیدان، خشنودی شهیدان، علم شهیدان، مصادیق شهیدان و ... در این آیات به چشم می‌خورد.^{۴۱} لازم به ذکر است قرآن در کنار سایر امور مادی و معنوی که به زندگی انسان مرتبط می‌باشد، به بحث جهاد و متعاقب آن شهادت نیز پرداخته است، چنان‌که آیاتی در قرآن از فلسفه، هدف، انگیزه و ارزش جهاد سخن می‌گویند و به بحث شهادت نیز

در قرآن کریم و روایات به جای ذکر نام کشته‌شدگان در راه الهی، از تعابیر «شهید» و «قتیل فی سبیل الله» استفاده شده است. ماده «قتل» در قرآن کریم به دو معنا آمده است؛ چنان که در آیه «يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ»،^{۴۰} «یقتلون» برای کثرت کشتار است؛ یعنی «زیاد می‌کشند پسرانتان را و زنده می‌گذاشتند زنانتان را»؛ ولی در آیه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا...»،^{۴۱} ظاهراً منظور شدت قتل است.^{۴۲}

در این اصطلاح چند شرط وجود دارد که اگر هر کدام از آنها محقق نشود، دیگر نمی‌توان بر آن قتیل فی سبیل الله اطلاق نمود: اولاً؛ باید این مرگ با کشته شدن باشد. ثانیاً؛ این کشته شدن آگاهانه باشد. آگاهانه بودن به این معنا است که انسان، خود با بصیرت انتخاب‌گر این نوع مرگ باشد و شرط آگاهانه بودن آن است که شهید حق و باطل زمان خود را بشناسد و در زیر لوای حق علیه باطل بجنگد. ثالثاً؛ این کشته شدن «فی سبیل الله» باشد. قید «فی سبیل الله» اشاره به هدف و جهت شهید در جنگ علیه کفار و مشرکان دارد و بیانگر این معنا است که جنگی دارای ارزش است که هیچ هدفی جز الله در آن نباشد.^{۴۳}

تعریف تربیت

تربیت مصدر باب تفعیل و از ماده «ربی، یربو» به معنای رشد یافتن و رشد دادن متربی است.^{۴۴} تربیت، رشد دادن یک پدیده از راه برطرف ساختن موانع و فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته در آن است.^{۴۵} تربیت اسلامی، علم آماده سازی انسان مسلمان برای زندگی دنیا و آخرت است. آماده کردن کامل انسان و تربیت بهداشتی، عقلانی، علمی، عقیدتی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و ارادی در پرتو مبانی، ارزشها، روشها و شیوه‌های

۳۶. گامی به سوی نظریه‌پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۷۲.

۳۷. تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۵۶.

۳۸. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۵.

۳۹. احزاب، ۲۳.

۴۰. لسان العرب، ج ۳، ص ۲۳۸.

۴۱. همانند بقره، ۱۵۴؛ آل عمران، ۱۵۷-۱۹۵؛ نساء، ۶۹؛ حج،

۵۸ و ۵۹؛ احزاب، ۲۳؛ محمد، ۴-۶ و ...

۳۰. اعراف، ۱۴۱.

۳۱. مائده، ۳۳.

۳۲. قاموس قرآن، ج ۶، ص ۲۳۱.

۳۳. رک: فرهنگ علوم سیاسی، ص ۲۲۷.

۳۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۵.

۳۵. مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۸۴.





نظر دارند.^{۴۲}

در بهشتی که برای آنان وصف کرده، آنان را درمی‌آورد. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ...»^{۴۶} در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است، همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند... «لِيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ»^{۴۷} «آنان را به جایگاهی که آن را می‌پسندند، در خواهد آورد.» «يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ»^{۴۸} «پروردگارشان آنان را از جانب خود، به رحمت و خشنودی و باغهایی در بهشت که در آنها نعمتهایی پایدار دارند، مژده می‌دهد.»

گرچه در بسیاری از آیات قرآن، سخن از نعمتهای مادی بهشت است: باغهایی که نه‌های آب جاری از زیر درختان آن در حرکت است، قصرها، همسران پاکیزه، میوه‌های رنگارنگ، یاران هم‌رنگ و مانند آن، ولی در کنار این نعمتها اشاره به نعمتهای معنوی مهم‌تری نیز شده است که ارزیابی عظمت آنها با مقیاسهای ما امکان‌پذیر نیست. از جمله آنها «رضوان» خداوند است و به راستی اگر کسی به آن مقام برسد، که احساس کند خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی، همه لذتهای دیگر را از یاد خواهد برد، تنها به او دل می‌بندد و به غیر او نمی‌اندیشد. این لذتی است روحانی، که با هیچ زبان و بیانی قابل توصیف نیست. امام سجاده (ع) در جملاتی می‌فرماید: کمال نهایی انسان، قرب الهی است. انسان کامل مشتاق وصال خداوند است و بالاترین عشقها را نثار دوست می‌کند.^{۴۹} این تعبیر امام سجاده در تبیین مفهوم شهادت از نگاه قرآن است؛ زیرا شهید در پی رسیدن به مقام وصل خداوند است و جان خود را به بهانه ایثار بالاترین عشقها، نثار محبوب می‌کند.

ب) دل بریدن از دنیا

جهاد در راه خدا مخصوص برخی از مؤمنانی است که دنیا را به آخرت فروخته و از دنیا دل بریده و برای خدا از همه چیز دست کشیده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ

البته بزرگان از فضیلت جهاد در قرآن بسیار گفته‌اند. شیخ بهایی می‌گوید: «بدان که جهاد از اعظم ارکان اسلام است و در آیات قرآنی مبالغه بسیار در فضیلت جهاد و ترغیب بر آن و سرزنش آن کسانی که بی‌مانعی جهاد نکنند، واقع شده است.»^{۴۳} اما سخن در این مقال از صرف جهاد نیست، بلکه بخشی از روند جهاد و رویارویی با دشمن دین خداوند است که منجر به شهادت می‌شود.

مبانی تربیتی شهادت

در ورای آیات حوزه شهید و شهادت، فرهنگ ایثار و مبانی تربیتی عمیقی وجود دارد که تنها باید با چشمانی باز و دلی پاک نگرست تا آنها را دریافت. آنچه که هدف این مقاله می‌باشد، شهادت به معنای کشته شدن در راه آرمانهای دینی و شهید به مفهوم مقتول در راه خدا است، تا با بررسی آنها به مبانی تربیتی نهفته در این آیات پی ببریم. از دو منظر می‌توان به مبانی تربیتی شهادت در قرآن نگرست:

۱) اثرات تربیتی شهادت در قرآن

خصوصیاتی که در قرآن برای شهیدان ذکر گردیده است، می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد فرهنگ شهادت در جامعه داشته باشد و بنابراین بررسی این ویژگیها در اینجا الزامی است.

الف) بهشت و رسیدن به مقام رضوان

در تعدادی از آیات قرآن، بهشت، به عنوان پاداش شهیدان ذکر شده است؛ زیرا بهشت محل دریافت پاداش و دارای باغهای بسیاری است که بر حسب مقام و منزلت و شایستگی افراد و گروههایی که اهل بهشت هستند، درجه‌بندی شده است. از جمله آیاتی که بهشت را به عنوان پاداش شهیدان ذکر می‌کند، موارد ذیل است:

«... وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...»^{۴۴} «و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نه‌ها روان است درمی‌آورم...» «وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ»^{۴۵} «و

۴۲. همانند نساء، ۷۴-۹۶؛ مائده، ۳۳ و ۳۵؛ انفال، ۷۲-۷۵؛ آل عمران،

۱۹۵؛ حشر، ۱۱؛ صف، ۱۱ و ۱۱۴ و ...

۴۳. جامع عباسی، ص ۱۵۰.

۴۴. آل عمران، ۱۹۵.

۴۵. محمد، ۶.

۴۶. توبه، ۱۱۱.

۴۷. حج، ۵۹.

۴۸. توبه، ۲۱.

۴۹. صحیفه سجاده، دعاهای ۲۱، ۴۷ و ۵۴.

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُ أَوْ يَغْلِبُ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛^{۵۰} «پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند و هرکس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد.» گروهی از منافقان، مؤمنان را از جنگ و جهاد با دشمن و مبارزه در راه خدا باز می‌داشتند. خداوند این آیه را نازل کرد، تا مؤمنان را به جنگ و جهاد تشویق کند و خطاب به آنان بگوید که به بازدارندگی منافقان توجهی نکنند و در راه خدا بجنگند؛ زیرا به واسطه اینکه دنیایشان را به آخرت می‌فروشند، پاداشی بزرگ و بهره‌ای فراوان نصیبشان خواهد شد.^{۵۱}

پس مجاهد فی سبیل الله تمام هدف و مقصد خود را خدا و سیر و سلوک به سوی او قرار می‌دهد و در جبهه‌ها فقط او را می‌بیند و غیر خدا به هیچ چیزی توجهی ندارد. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین تأکید آیه شریفه، این است که مجاهدان در صورتی که حقیقتاً فی سبیل الله به میدان جنگ بروند، چه فاتح جنگ باشند و چه کشته شوند، در هر دو صورت پیروزند.^{۵۲}

علامه طباطبایی نیز با پیوند بین این آیات و آیات قبلی‌اش به نکته ظریفی اشاره می‌نماید: «عبارات «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ»^{۵۳} و «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۵۴} دلالت دارد بر اینکه افراد منافقی که مؤمنان را از جهاد بازمی‌داشتند و روی سخن به ایشان است، جزء همان مؤمنانی هستند که امروز و فردا می‌کردند و جز به زبان ایمان نیاورده بودند»؛^{۵۵} چرا که در دو آیه قبل جمله «وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَيِّضَنَّ...»^{۵۶} «و از میان شما کسی است که در کارزار درنگ می‌کند...» ذکر شده و ظاهر کلمه «منکم» در آن دلالت دارد بر اینکه این افراد منافقی که در آیه روی سخن به ایشان است، جزء همان مؤمنانی هستند که در صدر آیه قبلی‌اش با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...»^{۵۷}

مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

ج) زنده جاودان

آن کسانی که در راه اعتلای کلمه الله در روی زمین شهید می‌شوند، انسانهای عزیز و پاکی هستند که دارای کرامت قلبی و تزکیه روحی و طهارت نفسانی هستند، بنابراین اینان را نباید مردگان خطاب کرد، که مردن یعنی فنا و محو شدن از صفحه وجود، بلکه اینان زنده هستند که مفهوم حیات، رشد و حرکت به سوی پیشرفت است.^{۵۸}

خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»^{۵۹} و در جای دیگر فرموده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».^{۶۰} مقتول در راه خدا در این آیات، شهید است و این از تفاسیر بزرگان مشهود است.^{۶۱} از همین رو است که شهید، همانند مردگان غسل ندارد^{۶۲} و کفن او همان لباس او است که شهید قبل از شهادت خود را قربانی کرده و او در زندگانی خاندان و دوستان خود سهیم است.^{۶۳}

کدام مبنای تربیتی برای انسان در پی کمال بهتر از این است که خدای بزرگ، از انسان مجاهدی که در راه خدا شهید شده، به عنوان زنده جاودان یاد می‌کند. در حقیقت این وصفی فخیم از جانب پروردگار در حق شهید است. بنابراین شهادت در این مسیر، فضیلتی می‌شود که هیچ چیز دیگری با آن همسنگ نمی‌گردد.

نکته دیگر در مبنای تربیتی این آیات، این است که هر آنچه در گمان و ذهن ما نسبت به مسئله‌ای شکل گرفت، این عین واقعیت نیست. در آیات مذکور، قرآن می‌فرماید که اگر کسی در راه خدا کشته شد، گمان مبرید و نگویید که مرده است. به صراحت می‌گوید که شما درک آن را ندارید.

نکته دیگر در این باب بحث زنده بودن پس از شهادت و

۵۸. التفسیر الأثری الجامع، ص ۲۵۲.

۵۹. بقره، ۱۵۴.

۶۰. آل عمران، ۱۶۹ و ۱۷۰.

۶۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیه ۱۶۹ نساء.

۶۲. توضیح آنکه شهید در معرکه به غسل و کفن نیازی ندارد، ولی اگر خارج از محل جنگ به شهادت برسد، غسل و کفن بر او لازم است.

۶۳. التفسیر الأثری الجامع، ج ۴، ص ۲۵۳؛ حسین وارث آدم، ص ۱۸۰.

۵۰. نساء، ۷۴.

۵۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۵۷.

۵۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۵۳. نساء، ۷۴.

۵۴. نساء، ۷۵.

۵۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۷.

۵۶. نساء، ۷۲.

۵۷. نساء، ۷۱.





بقای روح و متنعم بودن نزد پروردگار است. بسیار مهم است که انسان بداند اگر در مسیر عشق و رضای خداوند گام بردارد و به لحاظ فیزیکی کشته شود، به گونه‌ای جاودانه می‌شود که مداوم متنعم هم خواهد بود و البته در جایگاهی نزد خداوند که مورد تکریم نیز قرار می‌گیرد و از طرف حضرت حق مأجور است.^{۶۴}

نکته دیگر این است که از پیامبر نقل شده است: هیچ‌کس از افرادی که وارد بهشت می‌شوند، آرزوی برگشتن به دنیا را نمی‌کند، مگر شهید که آرزو دارد به دنیا برگردد و ۱۰ بار شهید شود و این به خاطر کرامتهایی است که شهید نزد خدا می‌بیند.^{۶۵}

امام علی(ع)، شهدا را انسانهایی نیک‌اندیش، گویندگان حق و ترک‌کنندگان ستم می‌داند که پیش از دیگران قدم به راست گذارده و در به دست آوردن زندگی جاودان پیروز شده‌اند.^{۶۶} اگر انسان بداند که چنین عاقبت نیکویی در انتظارش است، در زندگانی دنیایی خود تجدید نظر می‌کند و چه بسا به امور خوبی بپردازد که تا قبل از این به فکرش نبوده و یا از اندیشه و رفتارهای خطا چشم بدوزد که ممکن است به فکر انجام آنها باشد و تمامی اینها آثار تربیتی است.

د) پاداش الهی

در سوره توبه آیه ۱۱۱ آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بَعْثَهُ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛^{۶۷} «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است. همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این به عنوان وعده حقیقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده او است. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید، شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ

۶۴. التفسیر الأثری الجامع، ج ۴، ص ۲۵۳.

۶۵. جامع الاحادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲؛ التفسیر الأثری الجامع، ج ۴، ص ۲۷۰.

۶۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

۶۷. توبه، ۱۱۱.

است».

در این آیه شریفه، خداوند متعال بعد از ذکر اینکه جانهای مؤمنان را خریداری و در عوض بهشت را روزی آنان می‌نماید، بیان می‌دارد ما این وعده بهشتی را که به مؤمنان داده‌ایم، فقط صرف وعده‌ای شفاهی نبوده و بلکه ما آن را در سه کتاب آسمانی تورات، انجیل و قرآن نیز ثبت نموده‌ایم، تا این قطعیت وعده خود را بر همگان اعلام کنیم.^{۶۸}

یکی از نکات جالب در این آیه، این است که با بیانی بسیار لطیف و به صورت ضمنی وجود مسئله شهید و شهادت را در ادیان قبل از دین اسلام خبر می‌دهد. البته به صراحت معلوم نیست که این موضوع با تعبیر شهید یا شهادت در بین ادیان دیگر مرسوم بوده است یا نه؟

علاوه بر این آیه، آیات و روایات متعدد دیگری وجود دارد که وجود مفهوم «مقتول فی سبیل الله» و «قتل فی سبیل الله» را در ادیان دیگر و در مورد پیامبران گذشته و یارانسان اثبات می‌کند؛ آیه «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛^{۶۹} «پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، داوود، جالوت را کشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می‌خواست به او آموخت؛ و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید؛ ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد»؛ از جمله آنها است.

خداوند در ضمن این آیات از بنی‌اسرائیل سخن می‌گوید، آن زمانی که پس از وفات موسی(ع) از پیامبر وقت خود (یوشع یا شمعون)، تقاضا کردند که رهبری بر آنها برگزیند تا به امر او به جهاد در راه خدا بروند. پیامبرشان به آنها می‌گوید که مبادا اگر جهاد بر شما واجب شد، نافرمانی کنید؛ آنها هم در پاسخ می‌گویند: چگونه می‌شود که دشمن، ما و فرزندان ما را به ظلم از دیارمان بیرون کرده باشد و ما به جنگ نرویم؟ حتماً به جنگ خواهیم رفت. اما موقعی که به درخواست خودشان حکم جهاد واجب شد، اکثر آنان به

۶۸. رک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۰۶؛ الصافی، ج ۲، ص ۳۸۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۹۱.

۶۹. بقره، ۲۵۱.

جز گروه اندکی از جهاد روی گردانیدند و آن گروه اندک همراه با فرماندهان طالبوت، به قتال و جهاد دشمنان روی آوردند و در این آزمایش الهی پیروز شدند و به راه خود ادامه و به یاری خداوند کافران را شکست دادند. در آخر این ماجرا خداوند فلسفه جهاد را ذکر می‌کند و می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»؛ «و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباہ می‌گردید. ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضل دارد».

اینکه قرآن، انسان را به گونه‌ای پرورش دهد که خود را ملاک حق و باطل بداند و آدمی را طوری تربیت کند که لایق پادشاه بزرگ از جانب خدا شود، دقیقاً براساس همان مبنای تربیتی است.

امام علی (ع) فرمود: «شهادت، تلاشی است برای آشکار کردن اموری که انکار و کتمان شده‌اند».^{۷۰} آیا رفتار و عملکرد پیامبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسین (ع) و ... در عصر خویش که اخلاق و انسانیت و عقلانیت از سوی عده‌ای انکار می‌شد و حقایق کتمان شده بود، مفهوم شهادت را روشن نمی‌کند؟ آیا این تصویرسازی از مفهوم شهادت نمی‌تواند اثر تربیتی داشته باشد؟ این است که قرآن به صراحت می‌گوید شهید را نباید مرده دانست. شهید زنده است که می‌تواند عامل رشد جامعه و آشکار کننده حقایق پنهان باشد.

اینجا است که شهادت اصلی برتر از جهاد می‌شود. شهادت یک رسالت و پیام می‌گردد. آری شهادت با این تعابیر قرآنی یک فرهنگ ناب است که قابلیت تربیتی دارد. نکته دیگر تربیتی در این آیات، این است که شهادت بسان یک معامله است که شهید جان می‌دهد و خدای بزرگ آن را می‌خرد و در آیه قرآنی، این دادوستد، برای شهید یک فوز عظیم و برد بزرگ حساب می‌شود.

هـ) شادی و سرور

خداوند متعال در قرآن کریم و به دنبال ذکر حیات شهیدان نزد پروردگار، بیان می‌دارد: «فَرَحِينِ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ...»^{۷۱}

۷۰. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۷۱. آل عمران، ۱۷۰.

«به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، شادمان هستند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادی می‌کنند...».

استبشار حالتی است که دل پر از شادی و سرور است، به طوری که چهره بشاش و باز می‌شود و مقابل آن اشمئزاز حالتی است که دل پر از خشم و نفرت است، به طوری که گرفتگی و انقباض در صورت آشکار می‌شود.^{۷۲} بنابراین معنای جمله این است که کشته شدگان در راه خدا هم از نظر رسیدن خودشان به فضل خدا و دیدن آن فضل، خوشحالی می‌کنند و هم خودشان در طلب این خبر خوش هستند که رفقای عقب مانده‌شان نیز به این فضل الهی برسند.^{۷۳} شاید بتوان این بشارت را از جهت دیگر نیز بیان نمود؛ یعنی شهدا می‌خواهند که این بشارت و خوشحالی خود را به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند، «لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» نیز برسانند.

منظور از «لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» چه کسانی هستند؟ در این باره چند نظر بیان گردیده است: ۱. مؤمنانی هستند که مجاهدت می‌کنند، ولی همراه آنان به شهادت نرسیدند و بعداً در جهاد کشته خواهند شد.^{۷۴} ۲. برادران مجاهدی هستند که جهاد می‌کنند در راه خدا، اما شهید نشده‌اند و باقی مانده‌اند و بعد در بستر خواهند مرد.^{۷۵} ۳. مؤمنانی هستند که آنها را ترک کردند^{۷۶} و در فضل و مقام به آنها نرسیده‌اند، ولی به واسطه ایمان مقامی عظیم دارند.^{۷۷} ۴. برادران او هستند که قبل از او به شرف شهادت رسیده‌اند و به جهت شادی آن متقدمان، اینها نیز خوشحال گردند.^{۷۸} ۵. کسانی هستند که مقام و منزلت و فضل شهیدان را درک نکرده‌اند.^{۷۹}

سید قطب در تفسیر این آیه می‌گوید: بشارت شهیدان به کسانی که باقی مانده‌اند، نشان دهنده این است که اولاً؛

۷۲. تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۴۵۹.

۷۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۰.

۷۴. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۱۴۴؛ تفسیر المراغی، ج ۴، ص ۱۳۲؛

رک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۱.

۷۵. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۳۳۵؛ تفسیر منهج

الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۷۶. الصافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۷۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۸۴.

۷۸. رک: تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۷۹. تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۲۰.





شهیدان در فکر باقی ماندگان هستند و می‌خواهند به ایشان بشارت دهند که خدا از مجاهدان رضایت دارد. ثانیاً؛ نشان دهنده این است که شهیدان از برادران دینی خود جدا نشده‌اند و همان‌طور که آنها (مجاهدان) زنده‌اند، شهدا نیز زنده‌اند و بشارت می‌دهند که «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».^{۸۰}

در تفسیر نور آمده است: شهدا زندگی جمعی دارند، از هم‌زمان خود دل نمی‌کنند و آینده خوب را به آنها بشارت می‌دهند، به یکدیگر ملحق می‌شوند و در انتظار ملحق شدن دیگران هستند.^{۸۱}

امام صادق (ع) در روایتی در مورد آیه «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» می‌فرماید: «ایشان (کسانی که بشارت می‌دهند) به خدا قسم پیروان ما هستند که هرگاه به بهشت داخل شوند و با کرامات خدا روبه‌رو شوند، به کسانی که در دنیا هستند و هنوز به آنها ملحق نشده‌اند، مژده می‌دهند که هیچ خوف و حزنی بر آنها نیست».^{۸۲}

۲) مصادیق شهیدان در قرآن و نقش تربیتی آنها

خداوند متعال در قرآن کریم، به منظور الگو گرفتن از سیره شهدا، به معرفی کسانی می‌پردازد که جان خود را به خداوند فروخته و در راه وی شهید گشته‌اند. در ماجرای هجوم بنی‌هوازن جز معدود مردانی از عاشقان راه پیامبر و پایدارانی در دفاع از او، تقریباً تمام مردان سپاه فرار کردند، دفاع چهار زن (ام عماره، ام سلیم، ام سلیط و ام حارث)، از پیامبر و حلقه زدن آنان بر اطراف رسول خدا، باعث شرم فراریان و آسیب ندیدن پیامبر شد.^{۸۳} این با چه معیار و منطقی قابل درک و فهم برای بشریت است. آیا این نبود که این مردان و زنان از جان گذشته، تحت تأثیر تربیت قرآن و اسلام اصیلی بودند که الگوی برتر آن حضرت محمد (ص) است. اگر مصادیق شهیدان در قرآن شناسایی شوند، نقش تربیتی بسیاری خواهد داشت؛ زیرا می‌توان رفتار و کردار آنها را الگوی خود قرار داد. برخی از مصادیق شهیدان در قرآن عبارتند از:

۸۰. فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۵۱۸.

۸۱. تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۸.

۸۲. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۲۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۱۲.

۸۳. السیرة النبویة، ج ۴، ص ۱۰۰.

الف) آسیه (س)

خداوند متعال در آیه ۱۱ سوره تحریم، از حضرت آسیه (س) همسر فرعون یاد می‌کند که به دلیل ایمانش به خدا زیر شکنجه‌های فرعون به شهادت رسید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛^{۸۴} «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، آن‌گاه که گفت: پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان».

معروف است که نام همسر فرعون آسیه بنت مزاحم بوده است؛ گفته‌اند آسیه (س) همسر فرعون، هنگامی که معجزه موسی (ع) را در مقابل ساحران مشاهده کرد، اعماق قلبش به نور ایمان روشن شد و از همان لحظه به موسی ایمان آورد. هنگامی که فرعون از ایمان او باخبر شد، بارها او را نپی کرد و اصرار داشت که دست از دامن آیین موسی (ع) بردارد و خدای او را رها کند، ولی این زن با استقامت هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد. سرانجام فرعون دستور داد دست و پاهایش را با میخها بسته، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند و سنگ عظیمی بر سینه او بیافکنند و هنگامی که آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذراند، دعایش این بود: «پروردگارا! برای من خانه‌ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده!»

خداوند نیز دعای این زن مؤمن را اجابت فرمود و او را در کنار بهترین زنان جهان، مانند مریم قرار داد.^{۸۵} چنان‌که در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «برترین زنان اهل بهشت چهار نفر هستند: خدیجه (س) دختر خویلد، فاطمه (س) دختر محمد (ص)، مریم (س) دختر عمران و آسیه (س) دختر مزاحم همسر فرعون».^{۸۶}

۸۴. تحریم، ۱۱.

۸۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۴؛ الصافی، ج ۵، ص ۱۹۸؛

مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۷۹. در روایتی از امام صادق (ع) است که حضرت فرمود: «هَذَا مَثَلٌ صَرَبَهُ اللَّهُ لِرُفِیَةِ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّتِي تَزَوَّجَهَا عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ» (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۳۱؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۵۸).

۸۶. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۶.

ب) انبیاء(ع)

قرآن کریم در آیات ۹۱ و ۶۱ سوره بقره، ۲۱، ۱۱۲ و ۱۸۳ سوره آل عمران، ۱۵۵ سوره نساء و ۷۰ سوره مائده به روشنی برخی از انبیای الهی را ذکر می‌کند که به دست کفار بنی اسرائیل به شهادت رسیدند؛ برای نمونه: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۸۷} «و چون به آنان گفته شود: به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید، می‌گویند: ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم و غیر آن را انکار می‌کنند. بگو: اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می‌کشیدید؟».

ج) حضرت یحیی(ع)

قرآن کریم در آیات ۱۲ تا ۱۵ سوره مریم با ذکر عبارت «وَ سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»، بر شهید شدن حضرت یحیی(ع) اشاره می‌نماید. در بیان علت شهید دانستن حضرت یحیی(ع)، می‌توان گفت از آنجا که در تفاسیر آیات ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ سوره آل عمران ذکر شده، که شهدا مرده نیستند و بلکه زنده‌اند؛ «بَلْ أَحْيَاءٌ»^{۸۸} و این آیه شریفه هم بر زنده شدن حضرت یحیی اشاره دارد؛ بنابراین حضرت یحیی از مصادیق شهدای مطرح در قرآن است.

طبرسی ذیل این آیه شریفه می‌گوید: «کلمه «حیاً» تأکید است برای «یبعث» و بنابراین برخی می‌گویند این تأکید به معنی این است که حضرت یحیی(ع) شهید بوده و با شهدا مبعوث می‌شود؛ زیرا قرآن آنها را زندگان وصف کرده است»^{۸۹}.

د) جادوگران فرعون

قرآن کریم در چند مورد از ایمان و اعتقاد جادوگران فرعون به خداوند یاد می‌کند و همین مسئله را زمینه‌ساز شهادت آنان می‌داند. آیات ۱۲۰ تا ۱۲۶ سوره اعراف، ۷۰ تا ۷۲ سوره طه و ۴۶ تا ۵۰ سوره شعراء، بیانگر همین مطلب است. «فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى. قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلُ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي

عَلَّمَكُمُ السَّحَرَ فَلَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَ أَزْجُلُكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبُنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَ أَبْقَى. قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنْ مَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا»^{۹۰} «پس ساحران به سجده درافتادند. گفتند: به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم. [فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شما است که به شما سحر آموخته است، پس بی شک دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت خرما به دار می‌آویزم، تا خوب بدانید عذاب کدام‌یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است. گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد، پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیا است که [تو] حکم می‌رانی».

ه) مؤمن آل فرعون

در سوره غافر از مؤمن آل فرعون یاد می‌شود که به دلیل ایمانش به خداوند، به شهادت رسید. «فَوَقَّاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَّرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ»^{۹۱} «پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می‌کردند حمایت فرمود، و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت». امام صادق(ع) در تفسیر این آیه شریفه بیان می‌دارد که این آیه در مورد مؤمن آل فرعون است که وی به دست فرعونیان قطعه قطعه شد، ولی خداوند دین او را حفظ نمود.^{۹۲}

و) مؤمن آل یاسین یا حبیب نجار

خداوند متعال در آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره یس از شهادت حبیب نجار توسط کافران پس از اظهار ایمان وی به خدای یکتا و دفاع از انبیای انطاکیه و تبلیغ دین خدا خبر می‌دهد و در ادامه اظهار تأسف و ی را پس از شهادت از آگاه نبودن قومش به جایگاه بهشتی وی و آرزوی مبنی بر آگاه شدن قومش از شمول آمرزش و کرامت الهی نسبت به وی پس از شهادت، به تصویر کشیده است. بسیاری از مفسران بیان می‌دارند که منظور از «رَجُلٌ» در آیه شریفه حبیب نجار است که برای تبلیغ دین الهی و حمایت از پیامبران الهی به

۹۰. طه، ۷۰-۷۲.

۹۱. غافر، ۴۵.

۹۲. تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۲۱.

۸۷. بقره، ۹۱.

۸۸. بقره، ۱۵۴؛ آل عمران، ۱۶۹.

۸۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۸۲.





شهر انطاکیه آمد و وقتی مردم قومش سخنانش را شنیدند، او را به طرز فجیعی به شهادت رساندند.^{۹۳}

(ح) حمزه بن عبدالمطلب (ع)

برخی از مفسران (همچون فیض کاشانی، طبرسی و ...) ذیل آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ»^{۹۴} بیان می‌دارند؛ منظور از «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» حضرت حمزه (ع) عموی پیامبر بوده که در جنگ احد به شهادت رسید.^{۹۵}

(ح) جعفر بن ابی طالب (ع)

برخی از مفسران (همچون ابوالفتوح رازی و سید هاشم بحرانی)، ذیل آیه ۲۳ احزاب مقصود «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» را علاوه بر حضرت حمزه، جعفر بن ابی طالب و همراهانش دانسته‌اند که در غزوه موته به شهادت رسیدند.^{۹۶}

(ط) امیرالمؤمنین علی (ع)

تفسیر روایی و اجتهادی شیعه ذیل آیه شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا ... وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»^{۹۷} بیان می‌دارند که منظور از «وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»، وجود نازنین امیرالمؤمنین (ع) بوده که همواره در انتظار شهادت بودند و سرانجام با شهادت به لقاء الهی نائل گشتند.^{۹۸}

(ی) شکنجه شدگان مؤمن

قرآن کریم در آیات ۴ تا ۱۰ سوره بروج، داستان برخی از مردان و زنان مؤمن را ذکر می‌کند که به خاطر پایداری بر ایمانشان در مقابل کفار و ظالمان (اصحاب اخدود)، به

۹۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۵۹؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۴، صص ۳۷۹-۳۸۲.

۹۴. احزاب، ۲۳.

۹۵. تفسیر جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۰۹؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۴۹؛ الصافی، ج ۴، ص ۱۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، صص ۴۲۹-۴۳۲. لازم به ذکر است در روایات مطرح شده که حضرت جعفر بن ابی طالب (ع) نیز مصداق آیه قرار گرفته‌اند (التبیین فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۸).

۹۶. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، صص ۴۲۹-۴۳۲.

۹۷. احزاب، ۲۳.

۹۸. رک: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۸۹؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۸۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، صص ۴۲۹-۴۳۲؛ الصافی، ج ۴، ص ۱۸۰؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۲۵۹.

شهادت رسیدند. «قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ. النَّارَ ذَاتَ الْوُقُودِ. إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ. وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ. وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ تَمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ»^{۹۹}.

اصحاب اخدود چه کسانی بودند؟ اخدود به معنی گودال بزرگ یا خندق است، و منظور در اینجا خندقهای عظیمی است که مملو از آتش بود تا شکنجه‌گران مؤمنان را در آنها بیافکنند و بسوزانند. در اینکه این ماجرا مربوط به چه زمان و چه قومی است، در میان مفسران و مورخان اختلاف است. معروف‌تر از همه آن است که مربوط به «ذونواس» آخرین پادشاه حمیر در سرزمین یمن است. ذونواس که آخرین نفر از سلسله گروه حمیر بود، به آیین یهود درآمد و گروه حمیر نیز از او پیروی کردند، مدتی بر این منوال گذشت. سپس به او خبر دادند که در سرزمین نجران (در شمال یمن) هنوز گروهی بر آیین نصرانیت هستند، هم‌مسلمانان ذونواس او را وادار کردند که اهل نجران را مجبور به پذیرش آیین یهود کند. او به سوی نجران حرکت کرد و ساکنان آنجا را جمع نمود و آیین یهود را بر آنها عرضه داشت و اصرار کرد آن را بپذیرا شوند، ولی آنها ابا کردند و حاضر به صرف‌نظر کردن از آیین خود نبودند و حاضر به قبول شهادت شدند. ذونواس دستور داد خندق عظیمی کنند و هیزم در آن ریختند و آتش زدند، گروهی را زنده زنده به آتش سوزاند و گروهی را با شمشیر کشتند و قطعه قطعه کردند، به طوری که عدد مقتولان و سوختگان به آتش به ۲۰ هزار نفر رسید!^{۱۰۰}

(ک) عدالت خواهان

قرآن کریم در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره آل عمران، از گروهی یاد می‌کند که به خاطر عدالت‌خواهی، به وسیله کافران بنی اسرائیل به شهادت رسیدند: «... وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^{۱۰۱} «و دادگستران را به قتل می‌رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده».

۹۹. بروج، ۴-۱۰.

۱۰۰. تفسیر نمونه، ج ۲۶، صص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۱۰۱. آل عمران، ۲۱.

از ابی عبیده جراح روایت شده که به پیامبر گفتم کدام مردم در قیامت عذابشان از همه سخت تر است؟ حضرت در پاسخ فرمود: «مردمی که پیامبران یا آمران به معروف و ناهیان از منکر را کشتند و بعد این آیه را خواند «وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ...» و سپس ادامه داد: ای ابعبیده بنی اسرائیل ۴۳ پیامبر را در ساعت اول روز کشتند. ۱۱۲ مرد از عابدان بنی اسرائیل به خاطر امر به معروف و نهی از منکر و اعتراض بر قاتلان انبیا قیام کردند که همه آنها را نیز در آخر همان روز به شهادت رساندند».^{۱۰۲}

نتیجه گیری

۱. «ش.ه.د.» ریشه‌ای است که بر حضور، علم و خبر دادن، دلالت دارد و تمام مشتقات این ماده دارای ارتباط خاصی با سه اصل معنایی یا یکی از معانی یاد شده می‌باشند.
۲. در اصطلاح قتیل فی سبیل الله چند شرط وجود دارد که اگر هر کدام از آنها محقق نشود، دیگر نمی‌توان بر آن این تعبیر را اطلاق نمود. این شروط عبارتند از: باید این مرگ با کشته شدن باشد، این کشته شدن آگاهانه باشد و این کشته شدن «فی سبیل الله» باشد.
۳. در زمان صدر اسلام که مصادف بود با وقوع جنگهای مسلمانان با کفار، تعداد زیادی از مسلمانان به شهادت رسیدند و کلمات شهید و شهادت در معنای جدید و اصطلاحی (یعنی: قتیل فی سبیل الله) در میان مردم شایع شد و پیامبر اکرم(ص) نیز این واژه‌ها را برای کشته‌شدگان در راه خدا به کار برد، تا جایی که امروزه از شنیدن این کلمات ذهن انسان به همین معنای جدید متبادر می‌شود.
۴. شهید به معنای گواه و شاهد است، ولی قتیل فی سبیل الله به معنی کشته شدن در راه خدا است.
۵. در قرآن کریم علاوه بر مشتقات قَتَلَ از واژه‌های «شُهِدَاء» و «قَضَى نَحْبٌ» نیز استفاده شده است.
۶. شهادت، تنها کشته شدن و از بین رفتن جسم یک انسان دین‌دار نیست، بلکه یک روند هدف‌دار و عقلانی است که در ورای آن مبانی تربیتی عمیقی نهفته است.
۷. شهادت براساس آموزه‌های قرآنی یک مسئله فکری،

۱۰۲. ر.ک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۶۰۶ و ۶۰۵؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۲۰.

علمی و فلسفی می‌باشد.

۸. از دو منظر می‌توان به مبانی تربیتی شهادت در قرآن نگریست: اول؛ اثرات تربیتی شهادت در قرآن؛ یعنی خصوصیات که در قرآن برای شهیدان ذکر گردیده است، می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد فرهنگ شهادت در جامعه داشته باشد. دوم؛ مصادیق شهیدان در قرآن و نقش تربیتی آنها؛ یعنی خداوند متعال در قرآن کریم، به منظور الگو گرفتن از سیره شهید، به معرفی کسانی می‌پردازد که جان خود را به خداوند فروخته‌اند و در راه وی شهید گشته‌اند.
۹. الگوسازی از شخصیت شهید، تمجید خداوند از مقام شهید، توجه به مفهوم شهادت به معنای کشته شدن در راه اعتلای مبانی دینی و به خاطر رضای حق و اینکه شهید معیار تشخیص حق و باطل شود و شهادت به مثابه یک معامله پرسود برای انسان، همگی از مبانی تربیتی موضوع شهادت در قرآن می‌باشند.
۱۰. برخی از مصادیق شهیدان از دیدگاه قرآن عبارتند از: آسیه(س)، انبیا(ع)، حضرت یحیی(ع)، جادوگران فرعون، مؤمن آل فرعون، مؤمن آل یاسین یا حبیب نجار، حمزة بن عبدالمطلب(ع)، جعفر بن ابی طالب(ع)، امیرالمؤمنین علی(ع)، شکنجه‌شدگان مؤمن و عدالت‌خواهان.



کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۹م.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۸. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، دارالدعوة، ۱۹۸۹م.
۹. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶ش.
۱۰. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۱۱. بروجردی، حسین، جامع الاحادیث الشیعه، قم، انتشارات مهر، ۱۳۸۳ش.
۱۲. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه محمد بندرریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۳. بهایی، محمد، جامع عباسی، تهران، نشر فراهانی، بی تا.
۱۴. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، پاریس، مکتبه لاروس، ۱۹۷۳م.
۱۵. جمعی از نویسندگان، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵ش.
۱۶. خوری شرتونی لبنانی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، لبنان، مکتبه لبنان، چاپ دوم، ۱۹۹۲م.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. رضوانی، علی اکبر، فلسفه شهادت، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۲ش.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارلیبیا للنشر و التوزیع بنغازی، بی تا.
۲۱. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. شریعتی، علی، حسین وارث آدم، تهران، نشر قلم، ۱۳۸۷ش.
۲۴. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش.
۲۵. صحیفه سجاده، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، آل طه، ۱۳۸۹ش.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۸. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن،





- بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. عبدالباقی، محمدفؤاد، معجم المفهرس لألفاظ القرآن، تهران، انتشارات حر، ۱۳۸۳ش.
۳۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالتقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۴. فتحی ملکاوی، حسن، گامی به سوی نظریه پردازی در تعلیم و تربیت اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰ش.
۳۵. فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۳۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۳۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۹. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق: یحیی عابدی و دیگران، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۴۳. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۴۵. معرفت، محمدهادی، التفسیر الأثری الجامع، قم، التمهید، ۲۰۰۸م.
۴۶. معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة، تهران، نشر پرتو، ۱۳۷۱ش.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۴۸. وجدی، محمدفرید، دائرة المعارف القرن العشرين، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۴۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۵۰. هاشمی نجف آبادی، رضا، فرهنگ شهادت، واحد فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران، ۱۳۶۲ش.
51. Raven. Wim, "Martyrs", *Encyclopaedia of the Qurān*, V.3 (j-o), Leiden, Brill, 2003.